

ادبیات ما ▼	آخرین مطالب	ویژه‌نامه‌ها	یادگانی مطالب	دانلود کتاب و مجله ▼	تبلیغات	ورود به سایت	<input type="text" value="...search"/>
---------------------------------	--------------------	---------------------	----------------------	--	----------------	---------------------	--

مطالب و محتویات
▼ پرونده داستان ایرانی
▼ پرونده داستان خارجی
▼ شعر امروز ایران
^ ادبیات در دنیای مجازی
<ul style="list-style-type: none">وزنامه‌های: «مای نیم ابر ایلا» 2. ویژه‌ی «عروسک‌ساز» 1. ویژه‌ی «قطار 8 به وقت لندن» 7. ویژه‌ی «به شیوه‌ی کبان فتوحی» 6. ویژه‌ی «اعلام وضعیت گیاهی» 5. ویژه‌ی «زیر ناخن‌های شوهرم» 4. ویژه‌ی «ورق‌بازها» 3. ویژه‌ی «نوران دوست داریم»

یادداشتی بر "شکار" نوشته‌ی امین انصاری – مرتضای بیگی

نوشته شده توسط مرتضای بیگی. POSTED IN [وزنامه‌های برای رمان «شکار» نوشته‌ی امین انصاری](#)

امتیاز کاربران

ضعیف ۴۴۴۴ عالی **امتیاز**



یادداشتی بر "شکار"

نوشته‌ی امین انصاری

"هم مرگ بر جهان شما نیز..."

مرتضای بیگی

"شکار". داستانی‌ست نوشته‌ی امین انصاری، که تماماً در یک آپارتمان می‌گذرد (لوکیشنی تماماً داخلی). در میان تعدادی خانواده که هر کدام با مختصاتی مشخص به مخاطب شناسانده می‌شوند، و شخصیت‌هایی که هر کدام خودشان روزها و ساعت‌هایشان را روایت می‌کنند، و این تعددِ راوی، از نکات برجسته‌ی این رمان است. رمانی که یک راویِ دانای کل دارد و چند راویِ سوم شخص، و همچنین حضورِ المان‌هایی بیرونی (یا به تعبیر فیلم‌نامه‌ای‌اش "خارجی") مثل وطنی که در ظاهر گریه‌ای در تمام داستان، نقشی استعاری به عهده دارد، گریه‌ای که در نهایت از بوی عقیقی که همه جا را فراگرفته است، لیریز می‌شود و مرگ، پایان اوست.

مرگ. این هم یکی از کلیدی‌ترین شاخصه‌های "شکار" است، داستانی که ای کاش هیچگونه ادعای پیشگویی‌ای در مورد آن چه که در بطنِ خود دارد، نداشتنه باشد، و در نهایت، دهه‌ها و شاید سده‌ها بعد، برسد روزی که به آن نگاه کنیم و بازخوانیمش، و نتوانیم هیچ‌گونه شباهتی بین موضوعِ آن و وقایعِ مستندِ تاریخی پیدا کنیم. داستانی که مرگ را مانند جنینی در رحم خویش مراقبت می‌کند و سرانجام بیرونش می‌اندازد، و آنگاه است که تمام فضای داستان بر می‌شود از بوی مشمززکننده‌ی مرگ. "شکار"، یک داستان است، اما داستانی‌ست که از ذهن خسته و سرخورده‌ی نویسنده‌ای برآمده که سال‌هاست بالا می‌آورد روی همنشینی و مجاورتِ دو "هشت"، با هر تعبیر و کاربردی که می‌خواهند داشته باشند، و همین خستگی و یاس و دل‌مردگی‌ست که سبب می‌شود نویسنده در همان دوره‌ی مشخصی که به حس سرخوردگی دچار است، دست به قلم ببرد و مرگ را به تصویر بکشد. نکته‌ی مهم همین است. این هم‌زمانی رخدادِ یک واقعه، و نوشتنِ آن از سوگی یک نویسنده، در همان مقطع زمانی. این سبب می‌شود که اثر هرچه بیشتر به واقعیت نزدیک شود و بتواند حس و حال مدنظر خویش را به بهترین شکلِ ممکن به مخاطب منتقل کند.

همه جا ناگهان تیره می‌شود. غبار، تمام آسمانِ شهر را دربرمی‌گیرد. و خیابان‌های شهر پر می‌شوند از جنازه‌های مردمی که تا چند دقیقه‌ی پیش داشتند خیلی عادی زندگی‌شان را می‌کردند، و ماشین‌های به هم کوبیده شده‌ای که تا لحظاتی قبل در مسیرِ درستِ خودشان در حرکت بودند. اما این غبارِ ناگهانی، همه چیز را به هم ریخته، مثل همان شهری که مردمش ناگهان "کور" شدند، اما این‌جا روایت، تنه به واقعیت می‌زند، و ارزشش بسیار بیشتر از روایتِ مردمِ آن شهرِست، که دچار کوریِ سفید شده بودند. اینجا مردم می‌بینند، غبار را و گرما را و مرگ را و جنازه را و بهت و حیرت را و دشمن را، اینجا همه می‌بینند. اما هیچکس نمی‌داند چه اتفاقی افتاده، هرچند مگر فرقی هم می‌کند؟ حالا بگیریم که به روایتی این فک یک آلودگی هوای غیرطبیعی باشد که حتماً توطئه‌ی لعنتی دشمن است، و به رودی رقع می‌شود، یا حتی نتیجه‌ی یک انفجار باشد، انفجاری که از روی یک ندانم‌کاری رخ داده و شهری را و کشوری را و گریه‌ای را به دامان مرگ انداخته، یا حتی می‌شود تصور کرد که همه‌ی این شرایط ناشی از حمله‌ی شیمیاییِ دشمنان ملغون است، دشمنانی که حالا شهر را به تصرف خودشان درآورده‌اند و همه‌جا کمین کرده‌اند تا مردم را به مرگ برسانند، هیچکدام اینها فرقی نمی‌کنند، مهم اینجا، شکار است، شکاری که بی‌هیچ گناهی، اسیرِ دستِ صیاد شده، و راهِ رهاییِ خویش را نیز نمی‌یابد.

"شکار"، داستانِ خوبی‌ست، چه از نظرِ روایت، که واقعاً دست به تجربه‌ای موفق و مورد قبول زده، چه از نظر شخصیت‌پردازی، که چندین و چند شخصیتِ متفاوت و منحصربه‌فرد را در کنار هم قرار داده، چه از نظر لحن و زبانِ اثر، و چه حتی از نظرِ موقعیت‌پردازی و فضاسازی، طوری که همه‌ی ماجرای دویست‌صفحه‌ای‌اش را در یک آپارتمان پیش برده است، تعریفِ قابل‌تأمل روابط انسانی، دغدغه‌های شخصیِ آدم‌ها، فرارگرفتنشان در موقعیت‌های غیرعادی و رفتاری که در این غیرعادی‌بودن از خود بروز می‌دهند، دست سرنوشتی که یک مبارزِ دؤنشته‌ی مستند را به فردی وامانده تبدیل می‌کند، آدم‌های سرگردانی که نه متعلق به این کشورند و نه متعلق به جای دیگری از دنیا، و بین زمین و آسمان آویزان مانده‌اند، زبانی که هنوز هم فرهنگِ انتقام را در وجود خودشان بسط می‌دهند، و عشقی که هیچ جایی در این میانه ندارد. همه‌ی اینها در "شکار" به نحوی مطلوب در کنار هم نشسته‌اند و اثری را خلق کرده‌اند که حتی علی‌رغم انجرار مخاطب از موضوعِ این اثر، و میلِ مفرطش به خیالی‌بودن آن، به سندی مهم و اجیاباً تاریخی تبدیل خواهد شد، باز به همان دلیل ذکرشده که "هم‌زمانی رخداد و نگارش" نامش نهاده بودم. "شکار" اثری‌ست قابل‌تأمل، هم برای مخاطب این روزها و هم برای متولیِ احتمالی عرصه‌ی فرهنگ و شاید خیلی عرصه‌های دیگر، که امیدوارانه می‌توان تصور کرد که این اثر را بخواند و حتی برای لحظه‌ای گوشه‌ی ذهنش، به واقعیت تبدیل‌شدنِ آن را تصور کند، و بر خویش بلرزد.

این مطلب را در صفحه اجتماعی خود به اشتراک بگذارید



اضافه کردن نظر

خواهشمندیم در هنگام ثبت نظر، از نام، نام خانوادگی و ایمیل حقیقی خود استفاده نمایید. در غیر این‌صورت، نظر شما منتشر نخواهد شد.

نام (الزامی)

ایمیل (الزامی، نمایش داده نمی‌شود)

وب سایت

بمرا از نظرات جدید آگاه کن

2014

تغییر کد امنیتی

ارسال

Comments

پرباز دیدترین مطالب

- مراحل ایجاد کلید نیم‌فاصله در نرم‌افزار Word
- سروده‌هایی از شیرکو بیکنس-مقدمه و ترجمه: بابک صحرانورد
- مروری بر آثار و زندگی آرتور شنیتسلر-ترجمه:فانزه اثنا عشری
- ساندویچ زانیون یا نان چاودار نوشته چارلز بوکسکی برگردان: علی امیرریاحی، بخش هشتم تا دهم
- «جهان ساعتش را با چشم‌های تو تنظیم می‌کند» شعری از نزار قبانی برگردان: سهند آقایی
- مجموعه اشعار حسین منزوی - مصطفی رضینی
- مروری بر آثار گراهام گرین برگردان: امیر فاجارگر
- نگاهی به زندگی و آثار اسماعیل فصیح‌امین‌علی‌اکبری
- گفت‌وگویی با مهدی بردانی خرم - سینا حشمدار
- گپی با شهربار وقعی پور (سینا حشمدار)

آخرین مطالب

- «ریزگردهای بغداد» - سهند آقایی
- «اضطراب» - سهند آقایی
- دخل آوردن زن‌کشی، اقتصاد آزاد و کات-آپ در 2666 - دانیال حقیقی
- دروم
- هتر به پیش خشونت / آرجمبولادی قد بلند بود - آروین آندرم
- گفت‌وگو با ناناشا وایمر مترجم انگلیسی رمان 2666 از روبرتو بولانیو - برگردان: سینا حشمدار
- «دیگر سراغ بولانیو نخواهم رفت!» گفت‌وگو با محمد جوادی مترجم رمان 2666 - دانیال حقیقی
- «هم-هجویه (در هفت پرده)» - سوزان کریمی
- «امیر ما» - مهناز یوسفی
- «عمران» - سهند آقایی

درباره ما | تماس با ما | نقشه سایت

کلیه حقوق مادی و معنوی این وب سایت متعلق به ادبیات ما است
طراحی سایت از عصر مدرن

